

## ۱۷ شهریور زمینه ساز سقوط پهلوی

۵ مهر ۱۳۹۴ ساعت ۱۶:۰۶

با دعوتی که صورت گرفت از اولین ساعات صبح روز جمعه، مردم برای شرکت در راهپیمایی و نماز جمعه به امامت علامه یحیی نوری راهی میدان ژاله شدند.

۱۳۵۷ سال مبارزه ملت ایران علیه نظام شاهنشاهی و ۱۷ شهریور این سال نیز روز اوج انقلاب و قیام مردمی برضد ظلم و ستم و زمینه ساز سقوط پهلوی است.

گسترش انقلاب با پیشینه ای که در سالهای قبل از ۵۷ وجود داشت در روزهای آغازین سال و در ماههای بعد از آن به اوج خود رسید به طوریکه در روزهای شهریورماه که مصادف با ماه مبارک رمضان نیز بود تظاهرات برضد رژیم هر روز در خیابانها انجام می شد و شبها بر بلندای بامها با ندای الله اکبر اعتراض خود را نشان می دادند.

در شهریور سال ۵۷ که شاه پهلوی هر روز یک نخست وزیر را مجبور به استعفا می کرد و دیگری را منصوب می کرد، دولت جمشید آموزگار بر سرکار بود که به علت فشارهای وارد شده و تظاهرات خیابانی رژیم او را مجبور به استعفا کرد و شریف امامی را که ۱۵ سال رئیس مجلس سنا بود بر سر کار آورد تا بدین شکل اوضاع کشور را تحت کنترل در آورد.

شریف امامی سعی داشت از خشم و نفرت مردم بکاهد و به روحانیت احترام بگذارد و اعلام سیاست آشتی ملی کرد اما در این اوضاع امام(ره) که هوشیاری فراوانی به اوضاع داشت طی پیامی خطاب به ملت ایران نقشه رژیم را رسوا و مردم انقلابی را بیش از پیش آگاه و خروشان کرد.

روز عید فطر همان سال مصادف با ۱۳ شهریور ماه راهپیمایی تاریخی و عظیمی برپا شد و در ۱۶ شهریور یعنی سه روز بعد نیز همان راهپیمایی عظیم تکرار شد و در آن اعلام شد که فردا جمعه ساعت هشت صبح در میدان ژاله تجمع می کنیم و راهپیمایی بزرگی انجام می دهیم.

با دعوتی که صورت گرفت از اولین ساعات صبح روز جمعه، مردم برای شرکت در راهپیمایی و نماز جمعه به امامت علامه یحیی نوری راهی میدان ژاله شدند.

از ساعت شش صبح، حکومت نظامی توسط فرماندار تهران ارتشبد غلامعلی اویسی اعلام و در حال اجرا بود و اجتماع بیش از سه نفر هم ممنوع بود. اعلام دیر هنگام حکومت نظامی (ساعت شش صبح همان روز) از دلایل شلوغی این تظاهرات بود.

روز جمعه ۱۷ شهریور سال ۱۳۵۷ در اولین ساعات صبح عده زیادی از مردم در اطراف میدان ژاله تجمع کردند رژیم با مشاهده تجمع مردم تانکهایی که از قبل به میدان ژاله منتقل کرده بود را به هم نزدیک کرده بود.

ساعتی بعد فرماندار تهران اعلام حکومت نظامی کرد (در سالهای مبارزه مردم با رژیم طاغوت اگر کسی از حکومت نظامی سرپیچی می کرد ماموران حق بازداشت او را داشتند) اما مردم بی توجه به حکومت نظامی هر لحظه تعدادشان بیشتر میشد.

ساعتی بعد از بلند گوها اعلام کردند که متفرق شوید و به خانه های خود برگردید که این پیام ها و هشدارها تاثیری در اراده مردم نداشت و شروع به سردادن شعارهایشان کردند آنها یکصدا فریاد می زدند الله اکبر واز ماموران نظامی با سلاحهای آماده شلیک نمی هراسیدند.

هنوز زمانی از آغاز شعار دادن تظاهرکنندگان نگذشته بود که فرمان آتش صادر شد و تفنگها و تانکها باهم به طرف مردم آتش گشودند و عده زیادی در همان لحظات اول به شهادت رسیدند.

صف تظاهرات شکسته شد و همه در پی کمک به هم بودند. کف خیابان پر از خون بود و آمبولانسها با صدای آژیر سعی می کردند راه را باز کنند تا مجروحان را به بیمارستان برسانند. عده زیادی هم در جلوی بیمارستان تجمع کرده بودند تا به مجروحان نیازمند خون اهدا کنند.

انتقال مجروحان میدان ژاله به کلانتریها

در همین اوضاع عده ای از ماموران رژیم با حمایت ساواک به بیمارستانهای بزرگ شهر رفتند و بیمارانی را که احتمال می دادند از تظاهر کنندگان میدان ژاله بوده باشند با خود به کلانتریها می بردند.

پس از انتقال کسانی که در میدان ژاله کسانی را که شهید شده بودند با کامیونهای بزرگ جمع کرده و به قم منتقل کردند و جسد های این شهدا را به دریاچه نمک این شهر ریختند.

و عده دیگری از شهدا به بهشت زهرا که آن روزها تازه افتتاح شده بود انتقال یافتند تا برای شناسایی خانواده هایشان در

سردخانه نگهداری شود و بعد با حضور خانواده افراد به خاک سپرده شود.

جوانان بیشتری شهدای واقعه خونین ۱۷ شهریور

در بین کشته شدگان زن و مرد بیشترین شهدا مربوط به جوانان میشد که آن روز به قصد براندازی نظام پهلوی به خیابانها آمدند و هدف گلوله نظامیان قرار گرفتند به دلیل شهادت تعداد زیادی از جوانان در میدان ژاله پس از آن به این میدان نام شهدا دادند و آن را به این نام خواندند.

جمعه سیاه که منجر به شهادت عده زیادی اعم از پیرو جوان شده تبعات زیادی برای رژیم پهلوی داشت این تبعات در چهار بخش قابل بررسی هستند.

۱- تردید و تزلزل در اراده رژیم در رویارویی با ملت

به دنبال کشتار ۱۷ شهریور اراده و عزم رژیم در رویارویی با ملت سخت به تردید و تزلزل افتاد زیرا شیوه های موسوم اعم از سرکوب و سازش در عمل شکست خورده بود زیرا اجرای طرح حکومت نظامی که بر اساس نظریه مشاوران امنیتی و ساواک، بهترین سیاست ممکن جهت برقراری امنیت تلقی میشد نتیجه عکس بخشید.

شاه برای یافتن یک راه حل فوری و ضربتی برای پایان دادن به اوضاع آشفته و انقلابی کشور با صاحب نظران امور ایران و کارشناسان داخلی رایزنی کرد و حاصل این گفتگوها شاه را به این نتیجه رساند که ریشه همه نارضایتی ها در توسعه فساد و سوء استفاده های کلان مادی نهفته است.

اما وضعیت کشور به حدی آشفته بود که رژیم سخت سر در گم شده بود و سرانجام آمریکا با پیام شفاهی برانسکی از طریق اردشیر زاهدی - سفیر ایران در آمریکا - شاه را بار دیگر به سوی سیاست مشت آهنین متمایل ساخت که نتیجه آن تشکیل کابینه نظامی به رهبری ارتشبد از هاری بود.

۲- تزلزل ارتش:

حوادث ۱۷ شهریور ادامه حکومت نظامیانسجام ارتش را متزلزل و اراده آن را با تردید مواجه ساخت. استقرار طولانی مدت ارتش در میدانها و مراکز مهم شهر که باید همانند نیروهای انتظامی با انقلابیون مقابله کند از کارآمدی ارتش و توان آن کاست، زیرا ارتش اساسا به منظور حفظ امنیت مرزها و پاسداری از کشور در برابر تهدیدات خارجی به وجود آمده بود اما اکنون ارتش باید تحت

فرمان فرمانداری های نظامی شورای امنیت استان عمل می کرد که خواه ناخواه با هیئت دولت و سایر مراکز قدرت در نحوه و اجرای فرامین حکومت نظامی اختلاف نظر می یافت.

این واقعیت با توجه به ساختار ارتش شاهنشاهی که شکاف عمیقی میان کادر فرماندهی با نیروهای مسلح از نقطه نظر گرایش های سیاسی و تمایلات ملی و مذهبی وجود داشت موضع ارتش را به عنوان سرکوبگر مخالفان سخت تضعیف می کرد.

۳- تعمیق شکاف بین مردم و حکومت پهلوی:

۱۷ شهریور ۱۳۵۷ جدایی میان ملت و حکومت را عمیق تر کرد و امکان هر نوع پیوستگی یا سازش را از بین برد. همچنین مشی مبارزه مسالمت آمیز در چارچوب قانون اساسی به منظور احیای نظام مشروطه به شدت زیر سؤال رفت و روحیه تندروی و افراط گرایی در میان طیف های گوناگون مبارز و مخالف فراگیر شد و تلاش ها برای سرنگونی رژیم پهلوی به شکلی قهر آمیز و انقلابی مورد حمایت قرار گرفت.

۴- تشدید سر درگمی آمریکا در برابر مسائل ایران:

همزمان با بحرانی شدن اوضاع و واقعه ۱۷ شهریور، روسای جمهور مصر، اسرائیل و آمریکا روز ۱۹ شهریور با شاه گفتگو کردند. شاه در گفتگو با کارتر واقعه ۱۷ شهریور را یک طرح شیطنانی از سوی کسانی دانست که از برنامه ایجاد فضای بازسازی کشور بهره مند شده و از آزادی های اعطا شده علیه وی سوءاستفاده کردند.

او خواستار ادامه حمایت های آمریکا شد. کارتر نیز در پاسخ به درخواست های شاه او را از جهات گوناگون مطمئن ساخت و حمایت صریح خود را از اقدامات سرکوب گرانه شاه اعلام کرد.

دو روز پس از حادثه ۱۷ شهریور اردشیر زاهدی - سفیر ایران در آمریکا - با وارن کریستوفر - معاون وزارت امور خارجه آمریکا - در واشنگتن دیدار کرد. کریستوفر ضمن تاکید بر حمایت دولت آمریکا از ایران، خواستار رعایت اعتدال در اجرای حکومت نظامی شد. اما زاهدی اعلام کرد کمونیست های سازمان یافته تظاهرات را ترتیب می دهند و دولت آمریکا همراه با نیروهای اپوزیسیون توطئه براندازی شاه را تدارک دیده است.

کریستوفر این اتهام را ناروا خواند و اظهار داشت تضعیف اعتماد به نفس شاه در این زمان مهمترین عامل بروز و گسترش شورشهاست.

به هر حال حقیقت این است که تا وقوع حادثه ۱۷ شهریور هیچیک از سران کاخ سفید در ریاست جمهوری، وزارت خارجه و سازمان سیا بحران ایران را جدی و نگران کننده نمی دانستند.

از همین زمان گروهی از سران آمریکا به بررسی دقیق تر و بازنگری کارشناسانه در حوزه مسائل ایران ترغیب شدند که ماحصل این بررسیها چیزی جز سردرگمی هر چه بیشتر آمریکا در امور ایران نبود.

بی تردید، قیام ۱۷ شهریور را می توان به عنوان یکی از نقاط عطف مبارزات ملت مسلمان ایران علیه رژیم پهلوی دانست. ابعاد عظیم کشتار و سرکوب مردم بی گناه در این روز باعث شد تا انقلابیون و رهبران آنها در حرکت خود مصمم تر شوند و در این بین رهبری مدبرانه حضرت امام خمینی(ره) نقشی بسزا داشت.

حمایتهای سران به اصطلاح دموکرات آمریکا از رژیم پهلوی در سرکوب مبارزین نیز باعث شد تا ادعاهای به اصطلاح حقوق بشری و دموکراتیک آنها در بین مردم رنگ ببازد و ماهیت اصلی آنان برای مردم ایران هرچه بیشتر نمایان شود. در مجموع باید گفت قیام خونین ۱۷ شهریور عاملی موثر در تشدید مبارزات مردمی و تسریع در سقوط رژیم پهلوی به شمار می رود.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/پهلوی-سقوط-ساز-زمینه-۱۷/۲۰۶۸۵>